

مطمئناً تشابه دارد. ذهنی که بخواهد قیاس کند ناخودآگاه به سمت مصداق و مثال‌هایی که قبل از این دیده می‌رود و این اتفاق طبیعی است ولی اینکه بگوییم کار کپی است به نظر من حرفی پوچ است. چرا که این یک اتفاق واحد است و هر شخص از زاویه دید خودش آن را روایت می‌کند. یک اتفاق مشترک در یک دهه و در یک زمان است ولی در روایت دوربین متفاوت است. فکر می‌کنم که در فیلم، دوربین هشت یا شانزده میلی‌متری باشد اما اینجا دوربین کاملاً ایستا است. آنجا دوربین روی دست است و حرکتش به حالت مستند زوم و زوم بک می‌شود؛ درواقع دوربین شکل مستندگونه‌ای دارد که انگار شخصی دارد دستی فیلم می‌گیرد ولی اینجا دوربین روی سه پایه و تراولینگ است. این‌ها بحث‌های فنی کارگردانی است ولی اگر موضوع و پوشش‌ها شباهت دارند دلیلش این است که چند فیلمی که در این حوزه ساخته شده‌اند به یک مساله می‌پردازند. قیاس اصولاً درست نیست ولی اگر بخواهیم اینطور به مساله نگاه کنیم بله، چرا که همه دارند یک اتفاق واحد را روایت می‌کنند.

متاسفانه در تلویزیون از شخصیت اصلی داشتن کمی جلوگیری می‌شود اما در سریال «شاه‌رگ» این مساله کم و بیش وجود داشت. خود شما چقدر به سینما و تلویزیون قهرمان محور علاقه دارید؟

سال‌هاست آن قهرمان‌های واقعی را که در دهه شصت و بیشتر در دهه هفتاد می‌دیدیم حالا در سینما نمی‌بینیم و شکل آن تغییر کرده‌است. از نظر من یکی از دلایلی که سینما یک مقدار افول کرده و سطح سلیقه مخاطب تغییر کرده و قهرمان‌های پوشالی خیلی برجسته شده‌اند، نداشتن قهرمان‌های آن مدلی است که جای خالی آن‌ها واقعاً احساس می‌شود. در تلویزیون هم شاید به نوعی این اتفاق می‌افتد و سریال مافهرمان‌های زمینی واقعی از جنس مردم را به نمایش می‌گذارد که من این مساله را بسیار دوست داشتم و فکر می‌کنم که این برای مخاطب خیلی ملموس تر بود و کاراکترها را دوست داشتی کرد.

درست است که شما خیلی کم دست به انتخاب می‌زنید اما در نقش‌هایی که بازی می‌کنید تلاش می‌کنید تا ظرفیت‌های بازیگری‌تان را نشان دهید. اما در اینجا انگار از بروز این ظرفیت‌ها جلوگیری شده؛ این به سبب فیلمنامه بوده و یا کارگردان از شما اینطور خواسته‌است؟

به هر حال این را فراموش نکنیم که نقش با نقش، قصه با قصه و شرایط با شرایط متفاوت است ولی چیزی که متفاوت نیست و همیشه در همه کارها مشترک است عباس غزالی پرانرژی، با انگیزه و عاشق کار است که مطمئناً در هر شرایطی کار خودش را در چارچوب آن قصه و نقش انجام می‌دهد. تمام انرژی‌ام را برای چیزی که در این

قصه و نقش فرخ از من خواسته شده بود گذاشتم و فکر می‌کنم که بیش از این دیگر کاراکتر اجازه نمی‌داد و در شناسنامه این شخصیت قرار نداشت. برای مثال اگر از عباس غزالی در سریال «وضعیت سفید» سکانس‌های بیرونی باکت بالا یاد دیدیم، در کاراکتر فرخ آن نوع اتفاقاً از جنس یک آدم تحصیل کرده و شیمی خوانده مرموز و این چنینی از فیلتر رد و اجرایش کردیم. شناسنامه آدم‌ها با هم متفاوت است و این کاراکتر باید به این شکل روایت می‌شد و این تفاوت‌ها در بازیگری برای من بسیار جذاب است.

مسیر آهسته و پیوسته انتخاب خودتان است یا رقابت خیلی سخت است و نقش‌هایی که دوست دارید کمتر به شما پیشنهاد می‌شود؟

من این حرفه را رقابت نمی‌بینم و چون عاشق بازیگری هستم سعی می‌کنم در هر جایگاهی که هستم تمام انرژی‌ام را بگذارم و لذت ببرم. برای مخاطب احترام بسیاری قائل هستم و سعی می‌کنم از اعتباری که به من داده خوب محافظت کنم. برای بخش دوم این سوال باید بگویم در این نوع پیشنهاداتی که به من می‌شود به ناچار گزیده کار شده‌ام. چون اگر بخواهم همه این پیشنهاداتی که می‌شود را که اکثر آنها باب میل نیستند و من را رو به جلو نمی‌برند، کار کنم مطمئناً اعتباری را که به دست آورده‌ام از دست می‌دهم. پس به ناچار گزیده کار می‌شوم و اصولاً گزیده کار بودن بد نیست چون شماره‌ای که یک آدمی تبدیل می‌کند که بهترین انتخاب را دارد.

آن نقش‌هایی که دوست دارم به من کمتر پیشنهاد می‌شود و یا پیشنهاد نمی‌شود و علتش را خودم هم نمی‌دانم ولی امیدوارم که اگر جایگاهم بالاتر از این‌هاست، سهم من داده شود تا بتوانم خودم را بیشتر نمایش دهم.

چقدر موقعیت از شما گرفته شده و چقدر فکر می‌کنید که خودتان موقعیت‌هایی را از دست داده‌اید؟

بیشتر موقعیت گرفته شده؛ یعنی من را در موقعیت قرار نداده‌اند. عباس غزالی‌ای که خیلی‌ها به او لطف دارند و او را به عنوان بازیگر خوب می‌شناسند وقتی که در موقعیت خوب قرار نگیرد چه کار می‌تواند بکند؟ آیا من می‌توانم خودم برای خودم سینما درست کنم، خودم فیلم بسازم، خودم



سال‌هاست آن قهرمان‌های واقعی را که در دهه شصت و بیشتر در دهه هفتاد می‌دیدیم حالا در سینما نمی‌بینیم و شکل آن تغییر کرده‌است. از نظر من یکی از دلایلی که سینما یک مقدار افول کرده و سطح سلیقه مخاطب تغییر کرده و قهرمان‌های پوشالی خیلی برجسته شده‌اند

برای فیلم خودم بازی کنم و خودم برای خودم نمایش دهم؟ این کار شدنی نیست. ویرینی وجود ندارد که خودم بخواهم انتخاب کنم و مجبور هستم که از پیشنهادات روی میز، بهترین را انتخاب کنم. از میان موقعیت‌هایی که برای من اتفاق افتاده همیشه بهترین انتخاب‌ها را داشته‌ام و اگر نبوده، واقعاً نبوده که انتخاب نکرده‌ام.

اگر ما راجع به این فرضیه اشتباه می‌کنیم، شما آن را تصحیح کنید. عباس غزالی اگر هنوز در سینما به حشش نرسیده یک جاهایی به خودش برمی‌گردد، اینکه در گیر قواعد بازی در سینما نشسته؛ درست می‌گوییم؟

خیر، برای من بازی سینمایی، بازی تلویزیونی و بازی تئاتری معنایی ندارد. برای من در بازیگری یک چیز مهم است و آن باورپذیر کردن نقش برای ذهن مخاطب است و آن را تمام و کمال اجرا می‌کنم. امروز سوالاتی از من می‌شود و حرف‌هایی می‌شنوم که می‌گویند شما نباید در تلویزیون این بازی را انجام دهید؛ این بازی حیف است و باید بر پرده سینما باشد؛ من اصلاً این را متوجه نمی‌شوم. من اگر در سینما قرار بگیرم، همین بازی را می‌کنم و در تلویزیون هم همین بازی را انجام می‌دهم. چرا که برای مخاطب احترام قائل هستم و بهترینم را اجرا می‌کنم تا تماشاگر باور کند. بله، یک سری نکات تکنیکی ریز هست که این‌ها اصلاً قابل بحث نیست و نکته اساسی آن انرژی تمام و کمال انجام می‌دهم ولی اگر حقم را هنوز در سینما نگرفته‌ام باید بگویم من با اولین حضورم در سینما که فیلم «عترافات ذهن خطرناک من» بود کاندید سیم‌رغ نقش مکمل شدم ولی حالا درواقع نمی‌دانم خط کشی‌ای هست یا باید کاری انجام دهم که به من نقش داده شود، من این‌ها را بلد نیستم و بازیگری را اینطور یاد نگرفته‌ام. من فکر می‌کنم برای یک بازیگر که درس این حرفه را خوانده و برای اینکه به این جایگاه برسد تلاش کرده، باید موقعیت و شرایط ایجاد شود. ولی وقتی ایجاد نشود من واقعاً نمی‌دانم که باید چه کار کرد، یا حداقل بلد نیستم عضو باند یا گروهی بشوم که به خاطر آن بتوانم نقش بگیرم و کارم را به این شکل یاد نگرفته‌ام. همیشه وقتی به پرونده اساتید خودم که دوستشان دارم نگاه می‌کنم؛ بزرگان سینمای ما مثل مهدی هاشمی، پرویز پرستویی، زنده یاد خسرو شکیبایی، استاد نصیریان هیچوقت این کار را نکرده‌اند و راز ماندگاریشان این است که فقط و فقط به هنرشان متکی بوده‌اند و چون امروز معادلات تغییر کرده دلیل نمی‌شود که من هم مسیرم را عوض کنم.

